



باشد و مشخص کند این آدم که در حد مجهول الهویه مطرح می‌شود و مسبب این معضلات است، به کجا وصل است، کیست و...

**میرزا محمدی:** میهمانی «کت چرمی» در فیلمنامه بود و سکانس شروع هم بود. بحث این میهمانی هم جابه‌جایی مواد نبود. موضوع یک پدر معزوی بود که صاحب چند خیریه و خانه سلامت جنسی است اما از آنها به عنوان برده‌های جنسی استفاده می‌کند؛ چیزی که در واقعیت به آن برخورد بودیم.

یعنی همان الکس که کشتنش همزمان با کارن فیلم شما خبرساز شد؟

**هاشمی‌نژاد:** بله، با این تفاوت که در خیریه‌ها و خانه‌های سلامت کار می‌کرد. یعنی داستان سواستفاده از این دختران در محیطی بود که قرار است خانه امن آنها باشد. تناقض داستان همینجا بود؛ این تضاد خیلی دراماتیک بود. در یکی از آسایشگاه‌های محمدشهر کرج هم چنین اتفاقی افتاده بود و یک برقرار به معلولین تجاوز می‌کرد و قربانیان او توانایی صحبت و افشا نداشتند و در نهایت ماجرا توسط یک مددکار کشف شد. در ابتدای امر پاپه قصه ما همین بود، اما خوب به این نقطه رسیدیم که مجبوریم اصل داستان را به شکل دیگری نشان دهیم.

**اجلالی:** یعنی اصلاً راجع به فحشا نمی‌توانستید فیلم بسازید؟  
**هاشمی‌نژاد:** در مورد تجاوز، بخصوص بعد از فیلم «علفزار»، قوانین سختگیرانه‌تر شده است. شاید مسئولتی که در ارشاد هستند، متوجه اهمیت این موضوع باشند و با فیلمساز همراهی کنند اما مشکل اینجاست که بعد از آن باید با چالش پاسخیابی به نهادهای مختلف درگیر باشند.

**اجلالی:** نمی‌شد به طور غیرمستقیم از طریق مکالمه کاراکترها درباره این میهمانی اطلاعات بیشتری به مخاطب بدید؟

**هاشمی‌نژاد:** به واسطه حذف سکانس اولیه از فیلمنامه، مجبور شدیم دو سه سکانس دیگر را هم حذف کنیم و فقط در سکانس تصادف با آن مواجه شویم. اینجا هم تصویری از صورت این آدم نشان نمی‌دهیم تا قضاوتی در مورد آن وجود داشته باشد. در «کت چرمی» فقط توانستیم تا دفتر وکیلش پیش برویم و از آن جلوتر نمی‌توانستیم.

برایش مانده بود، عیسی است که او هم اظهار ناتوانی می‌کند، چه توقعی می‌توان داشت؟  
**اردکانی‌فرد:** منظور من نگاه فمینیستی و ایجاد تقابل بین مردان و زنان در جامعه نیست. «کت چرمی» به زنان آسیب‌دیده می‌پردازد. برای من مسأله این است که راه برودن رفت این زن آسیب‌دیده در فیلم چیست؟ اینکه می‌گویم زن را توانمندتر نشان دهید، به خاطر گرایش‌های فمینیستی نیست. بحث بر سر این است که راه برودن رفت شما به عنوان کسی که به مسأله زن آسیب‌دیده می‌پردازد، چیست؟ من می‌گویم بخشی از راه حل این است که خود این زن توانمند باشد؛ ولی شما در فیلم دارید یک قهرمان فرشته نجات را نشان می‌دهید. در راه‌حلی که ارائه می‌دهیم، خوب است این توانمندی زنان هم دیده شود.

در تعداد قابل توجهی از آثار مستند از جمله مجموعه «کارستان» به زنان فعال و موفق به شکل باورپذیری پرداخته شده است؛ زانی که نمونه‌های مشابه آنها در دور و بر خودمان هم وجود دارد اما چرا تصویری از این دست زنان را در سینمای داستانی نمی‌بینیم، سینمای داستانی از مستند چند گام عقب است.

**اردکانی‌فرد:** یعنی نشان دادن زن آسیب‌دیده آسان‌تر از نشان دادن زن توانمند است؟  
**هاشمی‌نژاد:** نباید شائبه ایجاد کند.

اما در حوزه مستند کارهای خوبی در این زمینه شده است. درباره زنان فعال و کنشگر در حوزه‌های مختلف کارهای خوبی ساخته شده است.  
**اجلالی:** اما اگر قرار باشد از موضع طرفداری از زنان، به هر فیلمی انتقاد کنیم که چسرا زن در آن قوی نیست، به فیلم‌های پروپاگاندایم رسیم. زنی که شوهرش او را بیرون کرده، سواد و کار ندارد و در خیابان می‌ماند، توانایی دارد؛ اما این توانایی در مقابل جبری که او را احاطه کرده، منتظر من این نیست که او را قرار نمی‌دهد. فوق‌اش زباله‌گردی کند و تن به روسپی‌گری ندهد. اتفاقاً به اعتقاد من خودکشی‌ترینا قابل درک است و نشانه ضعف نیست. از کسی که تا این میزان تحت فشار است، آدم کشته و در خانه‌ای پنهان شده که اگر بیرون باید دستگیری می‌شود، در کودکی آن صحنه‌ها را دیده و مادری را که تمام امیدش بوده از دست داده و تنها امید

به قدرت رسیدند فیلمسازان نورتالیست را به سیاه‌نمایی متهم کردند. وزیر فرهنگ ایتالیا در همان زمان نامه‌ای به دسیکا می‌نوید و او را متهم به خیانت به ملت ایتالیا می‌کند به این دلیل که چهره کشور ایتالیا را نزد خارجی‌ها زشت نشان می‌دهد. ماجرای چارلی چاپلین و اخراج او از آمریکا و بازگشت افتخارآمیز چندین سال بعد او را همه به خاطر داریم. حالا هیچ‌کس نام وزیر فرهنگ آن روزهای ایتالیا را به یاد ندارد و هیچ‌کس علاقه‌مند نیست بدانند اعضای کمیته مبارزه با فعالیت‌های ضد آمریکایی که زیر نظر ستانور مک کارتی چاپلین را اخراج کردند بعدا چه سرنوشتی پیدا کردند، اما امروزه کارگردانان نورتالیست ایتالیا از افتخارات فرهنگی ایتالیا به شمار می‌آیند و جامعه آمریکا به چاپلین می‌بالد. طرفداران سیاه‌نمایی که با نشان دادن بدی مخالفند متوجه این نکته نیستند که هر چیزی با ضد خود شناخته می‌شود. بدون درک خشونت و بی‌رحمی فهم رحمت و محبت ممکن نیست. سعدی بزرگ می‌گوید ادب از آن است که آموختنی از بی‌ادب‌ان. افزون بر این بدون تصویرکردن شرایط زندگی و دنیای ذهنی کژروان که معمولاً قربانی نظامات اجتماعی معیوب هستند نمی‌توان راه اصلاح کژروی و آسیب‌های اجتماعی را پیدا کرد.

**هاشمی‌نژاد:** وقتی شرز از دایره درام حذف شود، دیگر خیر معنا پیدا نمی‌کند. «کت چرمی» هم در این دام افتاد و ما نتوانستیم نیروی سیاه فیلم را نشان دهیم. باید به شکل دیگری آن را نشان می‌دادیم که موافق نبودیم، چون دروغ بود، مجبور بودیم واقعیت را در همین اندازه که توانستیم نشان دهیم.

### مسأله اجتماعی رانمی توان با راهکار فردی حل کرد

آقای میرزامحمدی از امتناع برای ساخت فیلم‌های جشنواره‌ایسند گفتند

از نگاه شما فرق یک فیلم مسأله‌مند با جشنواره‌ایسند چیست؟

**اجلالی:** من خیلی با این نظریه که فیلمسازهای ایرانی برای بسند جشنواره‌ها مردم ایران را بدبخت نشان می‌دهند که جایزه بگیرند، موافق نیستم. اینکه قلمی مرتبط با طبقه فرودست جامعه در جشنواره‌های بدرخش و بقیه فیلمسازها از آن الگوبرداری کنند بحث دیگری است. من معنای فیلم جشنواره‌ای را نمی‌فهمم. در جشنواره واقعی که گاه تلخ است از جامعه نشان دهد تا هشدار و اندازی باشد برای مردم و مسئولان، اما در مواقع بسیاری از سوی مدیران کم‌صبر به سیاه‌نمایی متهم می‌شود. البته این مشکل فقط به ایران مربوط نمی‌شود تاریخ سینما موارد زیادی از این نوع برخوردها را در خود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به نشان‌های جشنواره‌های مختلف اشاره کرد. پس از پایان جنگ، اوضاع اجتماعی در ایتالیا خیلی بد بود، فقر، فساد و فحشا بیداد می‌کرد. فیلمسازان نورتالیست این مشکلات را هنرمندانه نشان می‌دادند. این فیلم‌ها در خارج از ایتالیا بسیار فروش داشتند و محبوب بودند. همین که در ایتالیا محافظه‌کارها

برایش مانده بود، عیسی است که او هم اظهار ناتوانی می‌کند، چه توقعی می‌توان داشت؟  
**اردکانی‌فرد:** منظور من نگاه فمینیستی و ایجاد تقابل بین مردان و زنان در جامعه نیست. «کت چرمی» به زنان آسیب‌دیده می‌پردازد. برای من مسأله این است که راه برودن رفت این زن آسیب‌دیده در فیلم چیست؟ اینکه می‌گویم زن را توانمندتر نشان دهید، به خاطر گرایش‌های فمینیستی نیست. بحث بر سر این است که راه برودن رفت شما به عنوان کسی که به مسأله زن آسیب‌دیده می‌پردازد، چیست؟ من می‌گویم بخشی از راه حل این است که خود این زن توانمند باشد؛ ولی شما در فیلم دارید یک قهرمان فرشته نجات را نشان می‌دهید. در راه‌حلی که ارائه می‌دهیم، خوب است این توانمندی زنان هم دیده شود.

در تعداد قابل توجهی از آثار مستند از جمله مجموعه «کارستان» به زنان فعال و موفق به شکل باورپذیری پرداخته شده است؛ زانی که نمونه‌های مشابه آنها در دور و بر خودمان هم وجود دارد اما چرا تصویری از این دست زنان را در سینمای داستانی نمی‌بینیم، سینمای داستانی از مستند چند گام عقب است.

**اردکانی‌فرد:** در فیلم مستند «هیچ کسی منتظر نیست» هم کاراکتر اصلی از همین جنس زنان است که هم خود توانمند است، هم به زنان آسیب‌دیده کمک می‌کند که توانمند شوند و خودش را پیدا کنند.

**هاشمی‌نژاد:** بله زندگی خانم توران میرهادی که سال‌ها پیش از سیستم آموزشی پیش‌رو زنان و فنانلاند مدرسه‌ای بر پایه تعامل با دانش‌آموزان ایجاد کرد می‌تواند یک فیلم داستانی جذاب شود. حیف است که ما چنین شخصی را نمی‌شناسیم، یعنی باید یک مستند ساخته شود تا ما از وجود چنین شخصی آگاه شویم؟!

### نوانستیم از دفتر وکیل «کت چرمی» جلوتر برویم

کمی از نگاه فیلم به زنان بافکر بگیریم و به‌وجه دیگر فیلم برسیم، شما از میهمانی «کت چرمی» که پیرنگ اصلی داستان است زود می‌گذرید و توضیحی برای مخاطب ندارید. از فیلمی که کنشگر و علی‌الغالب است انتظار می‌رود این صراحت در روایت را داشته

هم به جشنواره‌ها راه نمی‌یابد. تز دکتری من درباره تأثیر فستیوال‌های غربی بر سینمای خاورمیانه بود. سیاستگذاری جشنواره‌ها کلی نیست و براساس منطقه و قاره فرق می‌کند. از فیلم‌های اروپایی یک توقعی دارند و از فیلم‌های آسیایی و ایرانی و کشورهای خاورمیانه توقع دیگری. با این جزئیات برای جشنواره‌هایشان سیاستگذاری کرده‌اند. فارغ از قضاوت درباره خوب و بد آن، من معتقدم در یک دهه گذشته فستیوال‌ها و جشنواره‌های غربی کمی به سینمای بلند ما نگرند. در حوزه فیلم کوتاه، بله، پیشرفت‌های خوبی بوده است.

خانم اردکانی‌فرد به نظر شما آیا نشان ندادن شخصیت شرخلی در فیلم ایجاد نکرد؟

**اردکانی‌فرد:** به نظر من درست است که شخصیت شر مستقیماً نشان داده نشده‌اما «آشاه» آن شخصیت به خوبی در فیلم وجود دارد. ثریا محصول آن شرایط است. همه چیز فیلم به اندازه است. حتی روزنه‌های امید که گذاشته است. درست است من انتقاد کردم که درون شخصیت زن نیروی نجات دهنده‌ای نیست، اما به هر حال فیلمساز درجه‌ای برای عبور از این مشکل گذاشته است. از این نظر فیلم سیاه‌نمایی ندارد و مسأله‌مند است. من منتقد سینمایی نیستم و نگاه من به فیلم جامعه‌شناختی است. به همین خاطر مسأله من مواجهه فیلم با معضل و حل مسأله اجتماعی است، مسأله اجتماعی که در فیلم «کت چرمی» یک مسأله عام است. مسأله صرفاً یک نفر نیست. پس فیلم دارد یک مسأله اجتماعی عام را مطرح می‌کند. اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که فیلمساز مسأله اجتماعی را با راه‌حل فردی می‌خواهد حل کند! انتظار ما این است که وقتی مسأله اجتماعی مطرح می‌شود برای آن راه‌حل اجتماعی یا مکانیسم‌های اجتماعی و در ساختار قدرت ارائه شود. ولی در فیلم «کت چرمی» تمام نهادهای اجتماعی از کار افتاده است. نهاد خانواده برای ثریا معنا ندارد. نهاد آموزش چه در قالب مدرسه و چه مجموعه مددکاری غایب است. نهاد دولتی که همان نهاد خیریه خصوصی فاسد است. هیچ‌کدام از نهادهای اجتماعی که شما تصویر می‌کنید، کار نمی‌کند. راه‌حلی که شما ارائه می‌دهید، یک راه‌حل کاملاً شخصی، موردی و فردی است. موردی (عیسی) که خودش یا داستان همذات‌پنداری دارد، برای حل این مسأله ورود می‌کند. ممکن است شما بگویید که این هم یک واقعیت اجتماعی است که نهادها در جامعه ما ناکارآمد هستند، لذا من تنها راه نجاتی که برای حل مسأله اجتماعی دارم، این است که یک قهرمان فردی بسازم و یک انگیزه شخصی به او بدهم، اما این نقد به صورت کلی وارد است که چرا مسأله اجتماعی را با راه‌حل فردی حل کردید.

**هاشمی‌نژاد:** مسأله این است که اگر این نهادها کارآمد بودند، این شکل نمی‌گرفت. مسأله فیلم همین است. اتفاقاً بهزیستی خیلی هم استقبال کرد و گفت شخصیت مدیر را چقدر خوب نشان دادید. در اینجا مباحث کلان مطرح است؛ اینکه چگونه باید پیش رفت و مسائل را تویتریزه کرد. حرف من و حسین از روز اول و در شوراهای بود که قهرمان، مردی از طبقه متوسط است که خیلی قدرت اجرایی ندارد، مثل بقیه مردم. به نظر من، همه آنها

هم به سیاه‌نمایی متهم کردند. وزیر فرهنگ ایتالیا در همان زمان نامه‌ای به دسیکا می‌نوید و او را متهم به خیانت به ملت ایتالیا می‌کند به این دلیل که چهره کشور ایتالیا را نزد خارجی‌ها زشت نشان می‌دهد. ماجرای چارلی چاپلین و اخراج او از آمریکا و بازگشت افتخارآمیز چندین سال بعد او را همه به خاطر داریم. حالا هیچ‌کس نام وزیر فرهنگ آن روزهای ایتالیا را به یاد ندارد و هیچ‌کس علاقه‌مند نیست بدانند اعضای کمیته مبارزه با فعالیت‌های ضد آمریکایی که زیر نظر ستانور مک کارتی چاپلین را اخراج کردند بعدا چه سرنوشتی پیدا کردند، اما امروزه کارگردانان نورتالیست ایتالیا از افتخارات فرهنگی ایتالیا به شمار می‌آیند و جامعه آمریکا به چاپلین می‌بالد. طرفداران سیاه‌نمایی که با نشان دادن بدی مخالفند متوجه این نکته نیستند که هر چیزی با ضد خود شناخته می‌شود. بدون درک خشونت و بی‌رحمی فهم رحمت و محبت ممکن نیست. سعدی بزرگ می‌گوید ادب از آن است که آموختنی از بی‌ادب‌ان. افزون بر این بدون تصویرکردن شرایط زندگی و دنیای ذهنی کژروان که معمولاً قربانی نظامات اجتماعی معیوب هستند نمی‌توان راه اصلاح کژروی و آسیب‌های اجتماعی را پیدا کرد.

آقای میرزامحمدی از امتناع برای ساخت فیلم‌های جشنواره‌ایسند گفتند

از نگاه شما فرق یک فیلم مسأله‌مند با جشنواره‌ایسند چیست؟

**اجلالی:** من خیلی با این نظریه که فیلمسازهای ایرانی برای بسند جشنواره‌ها مردم ایران را بدبخت نشان می‌دهند که جایزه بگیرند، موافق نیستم. اینکه قلمی مرتبط با طبقه فرودست جامعه در جشنواره‌های بدرخش و بقیه فیلمسازها از آن الگوبرداری کنند بحث دیگری است. من معنای فیلم جشنواره‌ای را نمی‌فهمم. در جشنواره واقعی که گاه تلخ است از جامعه نشان دهد تا هشدار و اندازی باشد برای مردم و مسئولان، اما در مواقع بسیاری از سوی مدیران کم‌صبر به سیاه‌نمایی متهم می‌شود. البته این مشکل فقط به ایران مربوط نمی‌شود تاریخ سینما موارد زیادی از این نوع برخوردها را در خود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به نشان‌های جشنواره‌های مختلف اشاره کرد. پس از پایان جنگ، اوضاع اجتماعی در ایتالیا خیلی بد بود، فقر، فساد و فحشا بیداد می‌کرد. فیلمسازان نورتالیست این مشکلات را هنرمندانه نشان می‌دادند. این فیلم‌ها در خارج از ایتالیا بسیار فروش داشتند و محبوب بودند. همین که در ایتالیا محافظه‌کارها

برایش مانده بود، عیسی است که او هم اظهار ناتوانی می‌کند، چه توقعی می‌توان داشت؟  
**اردکانی‌فرد:** منظور من نگاه فمینیستی و ایجاد تقابل بین مردان و زنان در جامعه نیست. «کت چرمی» به زنان آسیب‌دیده می‌پردازد. برای من مسأله این است که راه برودن رفت این زن آسیب‌دیده در فیلم چیست؟ اینکه می‌گویم زن را توانمندتر نشان دهید، به خاطر گرایش‌های فمینیستی نیست. بحث بر سر این است که راه برودن رفت شما به عنوان کسی که به مسأله زن آسیب‌دیده می‌پردازد، چیست؟ من می‌گویم بخشی از راه حل این است که خود این زن توانمند باشد؛ ولی شما در فیلم دارید یک قهرمان فرشته نجات را نشان می‌دهید. در راه‌حلی که ارائه می‌دهیم، خوب است این توانمندی زنان هم دیده شود.

در تعداد قابل توجهی از آثار مستند از جمله مجموعه «کارستان» به زنان فعال و موفق به شکل باورپذیری پرداخته شده است؛ زانی که نمونه‌های مشابه آنها در دور و بر خودمان هم وجود دارد اما چرا تصویری از این دست زنان را در سینمای داستانی نمی‌بینیم، سینمای داستانی از مستند چند گام عقب است.

**اردکانی‌فرد:** یعنی نشان دادن زن آسیب‌دیده آسان‌تر از نشان دادن زن توانمند است؟  
**هاشمی‌نژاد:** نباید شائبه ایجاد کند.

اما در حوزه مستند کارهای خوبی در این زمینه شده است. درباره زنان فعال و کنشگر در حوزه‌های مختلف کارهای خوبی ساخته شده است.

**اجلالی:** اما اگر قرار باشد از موضع طرفداری از زنان، به هر فیلمی انتقاد کنیم که چسرا زن در آن قوی نیست، به فیلم‌های پروپاگاندایم رسیم. زنی که شوهرش او را بیرون کرده، سواد و کار ندارد و در خیابان می‌ماند، توانایی دارد؛ اما این توانایی در مقابل جبری که او را احاطه کرده، منتظر من این نیست که او را قرار نمی‌دهد. فوق‌اش زباله‌گردی کند و تن به روسپی‌گری ندهد. اتفاقاً به اعتقاد من خودکشی‌ترینا قابل درک است و نشانه ضعف نیست. از کسی که تا این میزان تحت فشار است، آدم کشته و در خانه‌ای پنهان شده که اگر بیرون باید دستگیری می‌شود، در کودکی آن صحنه‌ها را دیده و مادری را که تمام امیدش بوده از دست داده و تنها امید

می‌توانند قهرمان واقعی برای برطرف کردن مشکلات هم باشند. چون ما از برخی از مدیران دیگر ناامید شدیم.  
**اردکانی:** یعنی از یک نوع ناامیدی در ذهن شما نشأت می‌گیرد؟  
**هاشمی‌نژاد:** بحث ناکارآمدی است و نه ناامیدی.

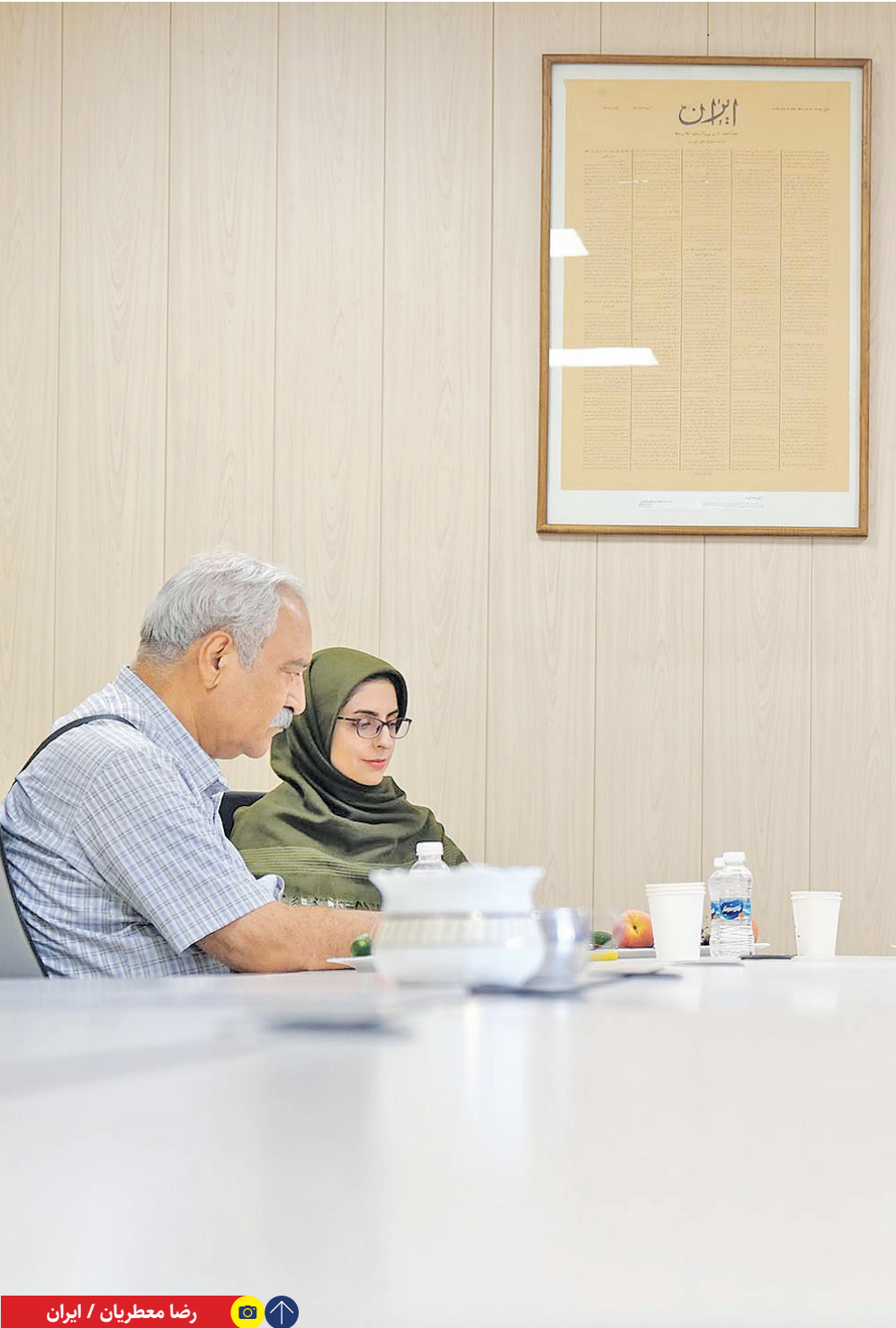
البته شخصیت صالحی (صابر ابر) از نهاد امنیتی و مال همین سیستم است.

**اردکانی‌فرد:** بله، نهاد نظارتی تنها نهادی است که در فیلم کمی کارآمد است، ولی بی‌اعتمادی زیادی در سراسر فیلم نسبت به او وجود دارد. تا سکانس آخر اعتماد بین آنها شکل نمی‌گیرد. تا حدودی به نهاد نظارتی قدرت دادید یا نسبت به آن امید داشتید، ولی بار اصلی داستان همچنان بر راه‌حل فردی است. شما می‌گویید واقعیت این است و من هم قبول دارم اما مسائل اجتماعی را نمی‌توانید با راه‌حل فردی حل کنید. عیسی فرهنگ، ثریا را به خانه‌اش آورده و از او حمایت می‌کند، اما بقیه ثریاها چه می‌شوند؟

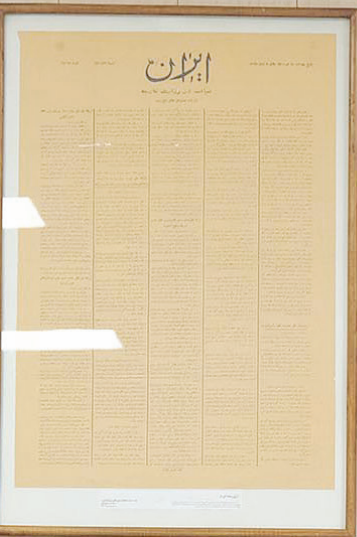
**هاشمی‌نژاد:** این اقدام فردی باعث می‌شود نوری تابیده شود و نهادهای نظارتی هم وارد عمل شوند و در انتها آن شخص دادگاهی شود. آن نهاد امنیتی هم دارد در مورد پرونده دیگری تحقیق می‌کند. اینجا هم شخصی از بدنه تصمیم می‌گیرد که این کار را بکنند. در مکالمه‌ای به مدیتر می‌گوید من این کار را با اختیار خودم انجام می‌دهم؛ می‌خواهد بگوید این مسأله از آن مسأله مالی مهم‌تر است. اساساً این عرف نهادهای امنیتی است که اگر هدف‌شان مسأله اقتصادی باشد روی آن متمرکز باشند و مثلاً به مسائل اخلاقی کاری نداشته باشند. هر اتفاقی هم که بیفتد، تشکیل پرونده نمی‌دهند تا به نقطه هدف‌شان برسند. واقعاً باید به همان شکل جلو بروند تا به نتیجه برسند.

**اردکانی‌فرد:** با این صحبت شما، حتی صالحی (صابر ابر) هم نماینده یک نهاد نیست و کاملاً فردی عمل می‌کند.  
**هاشمی‌نژاد:** ولی تصمیم شخصی‌اش را به اطلاع مدیر می‌رساند و جلیوش هم گرفته نمی‌شود.  
**اجلالی:** اصولاً قهرمان رمان و آثار هنری معمولاً یک فرد یا گروه کوچکی از افسران است. نهادها، مجموعه‌های معمولاً بزرگی از افراد، ساختارهای اداری، ارزش‌ها و هنجارها هستند. آنها را نمی‌توان مستقیماً نشان داد. ماهیت و کارکرد نهادها بواسطه کاراکترها به طور غیرمستقیم نشان داده می‌شوند.

**اردکانی‌فرد:** منظور من این نیست که الزاماً کاراکتری در فیلم داشته باشد. مثلاً نهاد آموزش هیچ نقش و تأثیری در داستان ندارد. ما هیچ شماییلی از آن نمی‌بینیم.  
**هاشمی‌نژاد:** البته ما نهاد بهزیستی را داریم که کارش این است.  
**اردکانی‌فرد:** که یک نهاد ناکارآمد است.  
**هاشمی‌نژاد:** ناکارآمد نیست. در همان گفت‌وگو‌های اول، مدیر می‌گوید که من همه چیز این خانه سلامت کنار آمده‌ام. مجوز نداشت، در بحث فنی ایراد داشت، ولی الان نامه زنده‌اند که باید این کار را بکنیم؛ یعنی من مماشانی به خرج دادم تا زمانی که کند قضیه در نیمه‌است، ولی آن تحت فشار هستم و باید آن را پلمب کنم. برو آنجا می‌بینند و می‌گویند اگر به این داستان تن بدهیم، ممکن است کمپی بسته شود و هزار آدم بی‌خانمان دوباره به خیابان برگردند.



رضا معطریان / ایران



### اجلالی:

در مطالعات و مصاحبه‌های

بی‌شماری

که با دختران

و زنان در

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،

نجات‌دهنده‌های

بسیاری

از آن‌ها،

خانه‌های

سلامت یا

خانه‌های امن

انجام شده،